

Journal iranian political sociology
Vol. 5, No.12, Esfand 2023

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.356322.3840>

A Project of Destruction, Peace, or Technology? Untangling the Relationship between the Gap Project and Environmental Issues of the Region

Abstract

The Southeast Anatolia Project (GAP) began in the 1970s to generate energy and irrigate arid lands through the construction of dams and hydropower plants on the Euphrates and Tigris rivers and extensive irrigation networks in southeastern Turkey. Over time, the project expanded to achieve a wider range of goals in different fields and fundamentally transformed the Southeast Anatolia region. It is also widely claimed that GAP has an impact on the environmental security of the three countries of Iraq, Syria and Iran, and that security considerations and political calculations in the region are the reason for the GAP project. However, this supposed link between the Gap and the region's environmental security has often been viewed in a simplistic manner, and the question of how the two are linked – or not – has remained unanswered until now. The purpose of this article is to fill this research gap and examine the complex and multi-dimensional nature of the interrelationship between the GAP project and the environmental issue of the region based on various primary and secondary data sources Accordingly, the article identifies and discusses the major narratives in which the gap is imagined as an environmental threat and political conspiracy.

KEYWORDS: GAP Project, Environmental Security, Kurds, International Water Law, Turkey

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران،

سال پنجم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۱، صص ۳۳۸۸-۳۴۰۶

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.356322.3840>

پروژه تخریب، صلح، یا فناوری؟ گره‌گشایی از رابطه بین پروژه گاپ و مسأله زیست‌محیطی منطقه

مژده قدوسی^۱

تاریخ دریافت: 1401/04/10

افشین زرگر^۲

تاریخ پذیرش: 1401/05/30

چکیده

پروژه جنوب شرقی آناتولی (گاپ) در دهه ۱۹۷۰ برای تولید انرژی و آبیاری زمین‌های خشک از طریق ساخت سدها و نیروگاه‌های برق آبی بر روی رودخانه‌های فرات و دجله و شبکه‌های آبیاری گسترده در جنوب شرقی ترکیه آغاز شد. با گذشت زمان، این پروژه برای دستیابی به طیف وسیع‌تری از اهداف در زمینه‌های مختلف گسترش یافت و منطقه جنوب شرقی آناتولی را به طور اساسی متحول کرد. همچنین به طور گسترده ادعا می‌شود که گاپ بر امنیت زیست‌محیطی سه کشور عراق، سوریه و ایران تأثیرگذار بوده و ملاحظات امنیتی و محاسبات سیاسی در منطقه دلیل وجود پروژه گاپ می‌باشد. با این حال، این پیوند فرضی بین گاپ و امنیت محیط‌زیست منطقه اغلب به شیوه‌ای ساده‌گرایانه انگاشته می‌شد و این پرسش که چگونه این دو به هم مرتبط بوده‌اند - یا نه - تا کنون بی‌پاسخ مانده است. هدف این مقاله، پر کردن این شکاف پژوهشی و بررسی ماهیت پیچیده و چند بعدی رابطه متقابل بین پروژه گاپ و مسأله زیست‌محیطی منطقه بر اساس منابع مختلف داده‌های اولیه و ثانویه است. بر این اساس، مقاله روایات عمده‌ای را که در آنها گاپ به عنوان یک تهدید زیست‌محیطی و توطئه سیاسی تصور می‌شود، شناسایی و مورد بحث قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: پروژه گاپ، امنیت زیست‌محیطی، گردها، حقوق بین‌المللی آب، ترکیه

^۱ دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، ایران mojdeh18th.feb@gmail.com

^۲ استادیار، عضو هیأت علمی روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، ایران (نویسنده مسئول)

a.zargar@kia.ac.ir

در سال‌های اخیر، کشور ترکیه به علت موقعیت ممتاز در شمال بین‌النهرین^۱ و به عنوان کشور بالادستی در حوضه آبریز دجله و فرات، اقدام به طراحی و اجرای مجموعه‌ای از سدها و نیروگاه‌های برق‌آبی نموده که آثار منفی زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن بر داخل و دیگر کشورهای این حوزه، یعنی عراق، سوریه و ایران از سوی صاحب‌نظران و کارشناسان ثابت شده است. روند مدرنیزاسیون ترکیه با اراده قوی دولت ترکیه برای تضمین توسعه کل کشور و ایجاد یکپارچگی و همگن‌سازی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح ملی از زمان تأسیس این کشور در سال ۱۹۲۳، یا حتی قبل از آن، از اولین تلاش‌های مدرن‌سازی امپراتوری عثمانی در قرن نوزدهم مشخص شده است. به ویژه ادغام و همگن‌سازی بسیار مورد توجه قرار گرفت و اهمیت قابل توجهی به آن داده شد، زیرا ترکیه مدرن یک اقتصاد عمدتاً کشاورزی را به ارث برده است که با عدم وجود نیروی کار لازم، سطح تولید و بهره‌وری پایین، و تعداد کم کارخانه‌های صنعتی که اکثریت آنها متعلق به کسب و کار کشورهای خارجی بودند، مواجه شده بود. همچنین، تشدید تعامل بین مناطق خاص در امپراتوری عثمانی و بازارهای اروپایی در قرن نوزدهم منجر به رشد شهرهای بندری و کاهش اهمیت شهرهای مرکزی و شرقی آناتولی شد (Tekeli, 2008: 51).

اگرچه طیف وسیعی از اصلاحات و سیاست‌های توسعه‌نوسازی اجرا شد و طرح‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌های مختلف توسعه برای این منظور در طول دهه‌ها تدوین شد، اما دور از ذهن نیست اگر ادعا کنیم که پروژه جنوب شرقی آناتولی بلندپروازانه ترین پروژه در این زمینه بوده است. بر این اساس، گاپ در منطقه «توسعه‌نیافته» جنوب شرقی آناتولی در دهه ۱۹۷۰ به عنوان یک پروژه فنی برای تولید انرژی و آبیاری ۱٫۸ میلیون هکتار از اراضی خشک از طریق ساخت ۲۲ سد (۱۴ سد بر روی فرات، ۸ سد بر دجله) و ۱۹ نیروگاه برق‌آبی در اندازه‌های مختلف بر روی رودخانه‌های فرات و دجله و شبکه‌های آبیاری گسترده در آن آغاز شد. با گذشت زمان، این پروژه به یک طرح جامع‌تر - و مسلماً جاه‌طلبانه‌تر - تبدیل شده است تا از طرفی چشم‌انداز سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و همچنین ذهنیت مردم محلی منطقه گاپ، که حدود ۱۰ درصد از مساحت کل و جمعیت ترکیه را شامل می‌شود، را تغییر دهد. و از طرفی دیگر باعث تخریب محیط‌زیست منطقه و ایجاد بحران‌های زیست‌محیطی برای کشورهای عراق، سوریه و ایران شود. علاوه بر اینها، برخی طرفین معتقدند که ملاحظات امنیتی در واقع دلیل اصلی وجود پروژه گاپ است، زیرا فرض بر این بود که تنها کارکرد هدفمند این پروژه، تخریب محیط زیست، تاریخ، فرهنگ و هویت‌گردها در این منطقه پرجمعیت گاپ است.

دولت ترکیه برای اجرای کامل این طرح، ۳۰ سال زمان و نزدیک به ۳۶ میلیارد دلار پول در نظر گرفته است. در واقع، گاپ طرحی عمرانی است که بر اساس آن، دولت ترکیه در نظر دارد مجموعه‌ای از سد و نیروگاه برق‌آبی را بر بخش بالایی رودخانه‌های دجله و فرات بسازد که از کوه‌های آناتولی مرکزی سرچشمه می‌گیرند و از جنوب شرقی آن کشور به سوی سوریه و عراق روان می‌شوند. دولت ترکیه برای به‌دست‌آوردن فواید بسیاری که پروژه گاپ به دنبال دارد، از تخریب محیط‌زیست و خطرات زیست‌محیطی غافل شده است. این فواید عبارت‌اند از: تأمین برق، آب آشامیدنی، صنعت و کشاورزی، کنترل سیلاب‌ها، فراهم کردن امکانات مورد نیاز برای جاده، راه‌آهن، فرودگاه، جاذبه گردشگری، کارخانه، بیمارستان، مدرسه، امکانات نوین برای ساکنین این کشور و جلوگیری از

^۱Mesopotamia

مهاجرت مردم. نخستین سازه بزرگ که در این طرح ساخته شد در سال ۱۹۹۲ سد آتاترک با حجم مخزن ۳۰ میلیارد مترمکعب بود. این سد در حال حاضر بزرگترین سد خاورمیانه و نهمین سد بزرگ دنیاست و از قابلیت حبس تمامی آب فرات در پشت مخازن خود برخوردار است.

همچنین دولت ترکیه قصد دارد با تکمیل پروژه سدسازی گاپ و انباشت آب رودخانه‌های دجله و فرات در این سدها از طریق خط لوله (که به لوله‌های صلح نامگذاری شده‌اند) این آب‌ها را به اسرائیل بفروشد. این توافق پس از سفر نخست وزیر پیشین اسرائیل در سال ۲۰۱۸ به آنکارا آشکار شد، رئیس موسسه تحقیقاتی آب اسرائیل یانوش بنگال،^۱ تأکید کرد که اسرائیل قصد خرید آب از ترکیه را دارد، به این دلیل که اسرائیل بتواند مشکل بحران آب خود را حل کرده و با مقدار آبی که از حکومت ترکیه خریداری می‌کند مساحتی به اندازه سه برابر مساحت کنونی اسرائیل را آبرسانی کند.

۱- اثرات زیست‌محیطی پروژه گاپ

در ترکیه، مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه دیگر، پروژه‌های سدسازی در مقیاسی بزرگ و به طور سنتی به عنوان یکی از بهترین ابزارها جهت آغاز توسعه منطقه‌ای تلقی می‌شدند، اما در دهه‌های گذشته، به طور فزاینده‌ای برای کارشناسان محرز شده است که این نوع پروژه‌های زیست‌محیطی نیز دارای هزینه هستند، بنابراین متخصصان محیط‌زیست و جامعه‌شناسان؛ مهندسان و طراحان این پروژه‌ها را به دلیل ساخت سازه‌های بتنی، بدون در نظر گرفتن عواقب زیست‌محیطی آن مورد انتقاد قرار می‌دهند (Stephenson & Peterson, 1991).

از دهه ۱۹۵۰ میلادی، بخش بزرگی از استراتژی توسعه ملی ترکیه مربوط به ساخت سدها و شبکه‌های آبیاری بوده است. این سیاست تا حدودی باعث آسیب به محیط‌های حساس و از بین رفتن اکوسیستم‌ها در برخی نقاط شده است. بسیاری از این هزینه‌ها (خسارات) در طول مطالعات امکان‌سنجی، مانند بسیاری از کشورهای دیگر در حال توسعه، در نظر گرفته نشدند. بر اساس یک نظریه، بیشتر خسارات به این دلیل رخ داده است که پروژه‌های آبیاری پیش از تکمیل شبکه‌های توزیع و زهکشی اصلی به بهره‌برداری رسیده و در نتیجه باعث تغییر رژیم‌های آب و خاک را می‌شوند (State Water Works, 1992). همانطور که توضیح داده شد، سدهای بزرگ می‌توانند به طرق و در سطوح مختلف بر محیط‌زیست تأثیر بگذارند، بنابراین، اشتباهات عمده طراحان پروژه در ترکیه در مرحله برنامه‌ریزی است که در این برهه به اثرات زیست‌محیطی پروژه‌های منابع آبی در مقیاس بزرگ توجهی نمی‌شود. به همین دلیل، بعدها سیاست جدیدی در رابطه با اثرات زیست‌محیطی پروژه‌های آبیاری برق آبی (سدها) ایجاد کردند. لازم به ذکر است که در اکثر کشورهای توسعه یافته امروزی چنین نبوده و آنها مجبور هستند، پس از تکمیل توسعه، در صورت وجود مشکل به عقب برگردند و آسیب را ترمیم کنند.

در کشورهای درحال توسعه بسیار رایج است که رشد اقتصادی، افزایش اشتغال، بهبود خدمات عمومی و زیرساخت‌ها را به عنوان اولویت‌های دولت بر حفاظت از محیط‌زیست ترجیح دهند. به ادعای دولت ترکیه، پروژه گاپ تا به امروز جدی‌ترین تلاش برای کاهش نرخ بالای مهاجرت و افزایش استانداردهای اقتصادی و اجتماعی مردم ساکن در این منطقه بوده است. از نظر افزایش بهره‌وری کشاورزی؛ مقامات ترک انتظار خروجی‌های موفقیت‌آمیز، به ویژه از تکمیل بخش دشت حران^۱ این پروژه را دارند.

به همین دلیل، دولت ترکیه مدلی توسعه‌ای برای سیستم‌های آبیاری در منطقه پروژه گاپ و همچنین ارائه پیشنهادهایی برای مدیریت، بهره‌برداری و نگهداری آنها ارائه کرده است. این طرح، شامل ارزیابی اولیه اثرات زیست‌محیطی در منطقه آزمایشی است که برای این منظور انتخاب شده است. اثرات زیست‌محیطی احتمالی، آبیاری در منطقه منتخب دشت حران در چارچوب پروژه MOM توسط شرکت مجری هالکرو-دولسار^۲ مورد ارزیابی قرار گرفت و در سال ۱۹۹۴ به صورت گزارش ارائه گردید. همچنین گزارشی فنی با عنوان اثرات بالقوه زیست‌محیطی طرح‌های بزرگ آبیاری در منطقه گاپ تهیه شد.

از این رو، همچنین مطالعه‌ای با عنوان «مطالعه محیطی منطقه‌ای گاپ» توسط یکی از دانشگاه‌های منطقه به منظور تعیین اثرات زیست‌محیطی این پروژه بر منطقه (به ویژه دشت حران) در سال ۱۹۹۳ انجام شده است. این مطالعه توسط تیمی متشکل از هشت زیرمجموعه صورت گرفته است که عبارتند از: تیم رهبری، آلودگی آب، آلودگی هوا، آلودگی خاک، آلودگی زباله جامد، آلودگی صوتی، مطالعه برای گیاهان و مطالعه برای جانوران. نظر مشترک آنها این است که گاپ به عنوان یک پروژه بسیار بزرگ با صنایع مختلف ارتباط دارد و به طرق گوناگون بر محیط‌زیست منطقه تأثیر می‌گذارد. خصوصاً به دلیل سدسازی و آبیاری فشرده در یک منطقه نسبتاً وسیع، تغییرات بزرگی در رژیم‌های آب و خاک منطقه، مورد انتظار است. این تغییرات ممکن است بر گونه‌های گیاهی و جانوری و مردم منطقه تأثیر بگذارد. افزایش آلودگی محیط‌زیست نیز با توجه به رشد جمعیت، شهرنشینی و صنعتی‌شدن شهرها پیش‌بینی می‌شود. از این رو، تلاش‌هایی از سوی دولت ترکیه به منظور گنجانیدن مسائل زیست‌محیطی در طرح جامع نهایی گاپ برای توسعه پایدار منطقه صورت گرفته است. در ادامه مشکلات زیست‌محیطی مورد انتظار را می‌توان به دو گروه زیر تقسیم کرد (Gap Final Master Plan Report: 2002):

۱) مشکلات زیست‌محیطی مرتبط با توسعه و ساخت و ساز: زباله‌های صنعتی، فاضلاب شهری، زباله‌های جامد، آلودگی آب و هوا ناشی از معادن، صنعتی‌سازی و تولید انرژی حرارتی، رسوب‌گذاری سدهای دریاچه، فرسایش در اطراف سدهای دریاچه، تغییرات محیط‌زیست گونه‌های آبزیان به دلیل سدسازی و تأثیر آن بر زمان و مسیر مهاجرت آنها، تغییرات در رژیم‌های جریان رودخانه و در نتیجه فرسایش در اطراف رودخانه و ...

۲) مشکلات زیست‌محیطی که نیازمند رویکرد کلی‌تری در منطقه است: فرسایش خاک و مشکلات آب زیرزمینی مربوط به ناکافی بودن زهکشی، از بین رفتن مناطق جنگلی، آلودگی آب ناشی از کودها و سایر مواد شیمیایی مورد استفاده در کشاورزی.

^۱Harran Plain
^۲Minutes Of Meeting
^۳Halcrow-Dolsar

از مشکلات پروژه گاپ، تفاوت اصلی بین این دو گروه است. گروه اول مشکلاتی را فهرست می‌کند که عمدتاً توسط گاپ ایجاد می‌شوند و گروه دوم مشکلات زیست‌محیطی را نام می‌برند که حتی بدون گاپ نیز وجود خواهند داشت. می‌توان گفت که گاپ به بهانه توسعه، مشکلات زیست‌محیطی در منطقه را افزایش می‌دهد. در ادامه، می‌توان استدلال کرد که آیا این اقدام یک معامله عادلانه است یا خیر؟ در زیر مواردی از انواع آلودگی‌های بالقوه ذکر شده است:

الف) آلودگی آب ناشی از: صنعتی‌سازی، شهرسازی، افزایش جمعیت، استفاده زیاد از کود و سموم دفع آفات؛

ب) آلودگی هوا ناشی از: تأسیسات صنعتی، شرایط جوی، گرمایش ساختمان‌ها (استفاده از سوخت با نسبت گوگرد بالا، هدر رفتن سوخت، اتلاف حرارت ساختمان، عدم دانش گرمایشی، نقشه‌برداری، رویدادهای هواشناسی، بافت شهری و غیره) و وسایل نقلیه موتوری؛

ج) آلودگی خاک ناشی از: فرسایش، تغییر کاربری زمین کشاورزی، فرونشست زمین؛

د) آلودگی صوتی ناشی از: ترافیک، صنعت و تجهیزات.

مشکلات زیست‌محیطی شناسایی شده، هم در طرح جامع و هم در مطالعات صورت گرفته مشابه هستند، در زیر، مجموعه‌ای از اقدامات احتیاطی پیشنهاد شده که ممکن است برای پیشگیری و یا حل برخی از این مشکلات مؤثر باشد:

۱) کاهش فرسایش از طریق درختکاری؛

۲) به حداقل رساندن پسماندهای صنعتی و شهری از طریق کنترل شدید و قوانین سختگیرانه؛

۳) کنترل روش‌های کشت مورد استفاده کشاورزان و جلوگیری از مصرف نادرست کود و مواد شیمیایی. طرح زیست‌محیطی و اقدامات احتیاطی اتخاذ شده در گزارش نهایی طرح جامع گاپ بر اساس مقررات اتحادیه اروپا که در سال ۱۹۸۷ منتشر شده، می‌باشد. این طرح عمدتاً بر «کنترل» کلیه فعالیت‌هایی که ممکن است بر محیط‌زیست منطقه تأثیر بگذارد متمرکز است.

در نهایت، به دلیل تحولات سریع اجتماعی-اقتصادی و مشکلات زیست‌محیطی که منطقه جنوب شرقی آناتولی با آن مواجه است، نیاز به اطلاعات روزانه و حساسیت نسبت به مسائل مختلف وجود دارد. یافتن راه حل برای پیش از بروز مشکلات بسیار مهم است و آگاهی، کلید مهمی برای جلوگیری از مشکلات می‌باشد. بنابراین، برای نسل امروزی منطقه بسیار مهم است که همراه با آگاهی و دانش در خصوص مسائل زیست‌محیطی رشد کنند تا از میزان و مقدار معضلات زیست‌محیطی که امروز وجود دارد و در آینده بسیار شدیدتر رخ خواهد داد، کاسته شود و تداومی در یافتن راه حل برای مشکلات زیست‌محیطی ایجاد شود.

۲- تأکید چندگانه بر معیارهای بنیادین پروژه گاپ

پروژه شمال شرقی آناتولی ترکیه (گاپ) یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های توسعه حوزه رودخانه است که در حال حاضر در کشورهای درحال توسعه در حال انجام است. این پروژه بلندپروازانه شامل: شبکه‌ای از ۲۲ سد، ۱۹ نیروگاه برق آبی، سیستم آبیاری گسترده، و پروژه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی مرتبط در سراسر حوضه رودخانه‌های دجله و فرات است. پس از اجرای کامل این پروژه، طراحان گاپ مجموعه‌ای از منافع از جمله؛ تولید برق آبی، افزایش تولید محصول و بهبود استانداردهای زندگی برای مردم محلی را پیش‌بینی می‌کنند (Unver, 1997a; 1997b). این پروژه نیز مانند هر پروژه توسعه آبی دیگری با این مقیاس، قطعاً اثرات منفی بسیاری نیز در پی خواهد داشت، که از افزایش بروز مالاریا گرفته تا به خطر افتادن زیست‌بوم‌های آبی و ... به ویژه در کشورهای پایین‌دست، یعنی سوریه، عراق و ایران.

در خوشبینانه‌ترین حالت ممکن، عراق تا ۸۰ درصد و سوریه تا ۴۰ درصد کاهش جریان رود فرات را تجربه خواهند کرد. همچنین به دلیل افزایش نهادهای کشاورزی و آبیاری در بالادست، درصد شوری و آلودگی این آب‌ها بیشتر خواهد شد (Hillel 1994: ۳۷).

چنین آمارهایی اغلب به عنوان مبنای احتمالی برای تشدید درگیری بر سر اشتراک آب‌های دجله و فرات ذکر می‌شوند، به‌ویژه با توجه به اینکه پروژه‌های آبی برنامه‌ریزی شده در هر سه کشور (ترکیه، سوریه و عراق) بسیار فراتر از میزان دسترسی واقعی آب واقعی است (Scheumann, 1998: 117; Çarkoglu and Eder 1998a)، و اینکه مشکلات شوری در حال حاضر باعث از کار افتادگی زمین‌های کشاورزی در سراسر بین‌النهرین شده است (Bagış, 1997; Bulloch and Darwish: 1993). با توجه به این پتانسیل، وام‌دهندگان بین‌المللی از تأمین منابع مالی زیرساخت‌های گاپ در غیاب توافق سه جانبه حوضه رودخانه در خصوص استفاده از رودخانه‌های دوقلو خودداری کرده‌اند.

در نتیجه، هزینه‌های ساخت سد، زیرساخت‌های آبیاری و سایر کارهای توسعه (در مجموع نزدیک به ۳۶ میلیارد دلار، با حدود ۱۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری تا به امروز) به طور انحصاری توسط دولت ترکیه پرداخت می‌شود (Unver 1997a; Bayazit and Avci 1997: 448). بانک جهانی، صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، برنامه توسعه سازمان ملل متحد و سایر منابع، خود را به تأمین مالی جنبه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی گاپ محدود کرده‌اند؛ از جمله ایجاد مراکز زنان، برنامه‌های سوادآموزی، حمایت از کارآفرینی، بازسازی شهری و سایر تلاش‌های فراگیر. این استراتژی نشان می‌دهد که جامعه بین‌المللی وام‌دهنده امیدوار است تا درگیری‌های بالقوه مربوط به استفاده از آب‌های دجله و فرات را مهار کند یا حداقل از مشارکت در این پتانسیل خودداری کند. شکل‌دهی به رابطه آب و تضادها به این شکل، اگرچه اشتباه انگاشته می‌شود، اما این فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی را می‌توان به طور منظم از جنبه‌های توسعه آب این پروژه جدا کرد. مهم‌تر از آن، در نظر گرفتن درگیری محدود به عنوان پتانسیل پاسخ‌های نظامی از سوی سوریه و عراق است، که به مقیاس‌ها و بازیگران دولتی امتیازات بی‌رویه می‌دهد، و روابط پیچیده توسعه مرتبط با آب را با دیگر کشمکش‌های اجتماعی-سیاسی گذشته، حال و آینده نادیده می‌گیرد.

با استفاده از یک رویکرد چند مقیاسی، مجبور هستیم که استدلال‌های این مقاله را از حدس و گمان در مورد چگونگی واکنش دولت‌های پایین‌دست به تغییر شرایط اقتصادی و اکولوژیکی ناشی از تغییر رژیم‌های آب گسترش دهیم، تا شامل بررسی صریح

موضوعات مرتبط از جمله اینکه؛ چگونه گاپ به طور بالقوه بر درگیری‌های جاری تأثیر می‌گذارد؟ باشد. این درگیری هم در داخل ترکیه (با توجه به جنبش‌های مسلح کردها و سایر مقاومت‌ها در برابر اقدامات دولت ترکیه)، هم در سراسر منطقه مرزی ترکیه-سوریه-عراق (با توجه به گستره فرادولتی جمعیت و جنبش‌های مقاومت) و هم در مقیاس فرادولتی (با توجه به اینکه موضوعی که به عنوان محوری در روابط ترکیه و اتحادیه اروپا و بحث‌های بین‌المللی حقوق بشر) مطرح شده است.

دستیابی به بهره‌وری بیشتر کشاورزی ممکن است کیفیت خاک یا آب را به خطر بیندازد، به ویژه زمانی که این مسائل در مقیاس‌های مختلف در نظر گرفته شوند. برای نشان دادن این پتانسیل، شواهد اولیه از تحقیقات انجام شده در دشت حران در نزدیکی منطقه مرزی ترکیه با سوریه نشان می‌دهد که مزایای برخی از کشاورزان در مناطق تازه آبیاری شده ممکن است نابرابری‌های درون منطقه‌ای را در خود منطقه آناتولی جنوب شرقی، گاهی در امتداد محورهای اعراب-کرد، تشدید کند. علاوه بر این، افزایش درآمد و مزایا برای برخی از خانواده‌ها نیز به بهای افزایش حجم کاری مبدل می‌شود، که این مسئولیت بر دوش زنان و کودکان سنگینی می‌کند.^۱ چنین نتایج متناقضی مرتبط با مصرف‌کنندگان و کاربران مختلف آب نه تنها در تجزیه و تحلیل مقیاس‌های مختلف در داخل ترکیه برجسته است، بلکه در سراسر منطقه درون حوضه‌ای (شاید به ویژه به این دلیل که منابع پایین دست ممکن است به میزان بیشتری در معرض خطر قرار گیرند) و در سطح جهانی (به عنوان مثال، ارتباط با جنبش‌های جهانی کشاورزی و مواد غذایی) نیز این برجستگی‌ها گاه‌آ نمایان می‌شود.

بنابراین، این مفهوم‌سازی تصدیق می‌کند که حتی در نبود تضاد بین‌دولتی بین ترکیه، سوریه و عراق، درگیری‌ها در مقیاس درون‌دولتی ممکن است تشدید شوند، به ویژه زمانی که تعارض به طور گسترده شامل؛ تعارضات اجتماعی مرتبط با جنسیت، پویایی قدرت محلی، درگیری‌های قومی، تعارض بر سر راهبردهای معیشتی رقیب یا نیازهای منابع باشد. از طرفی، عکس این قضیه نیز ممکن است درست باشد، زیرا توسعه گاپ ممکن است با پرداختن به برخی از نابرابری‌های اقتصادی طولانی مدت که در چندین دهه گذشته به آرزوهای خودمختاری مردم منطقه دامن زده‌اند، باعث کاهش درگیری شود. با این حال، یک رویکرد چند مقیاسی مستلزم آن است که گزاره‌های ساده‌سازی را که سعی دارند تعارضات را «بیشتر» یا «کمتر» نشان دهند، کنار بگذاریم و به جای آن، امکان درک پیچیدگی و عدم تثبیت شرایط آب و تعارض جغرافیایی را فراهم کنیم، به خصوص مواردی که در رابطه با تغییر زیست‌بوم‌های آب مورد مذاکره مجدد قرار می‌گیرند.

همچنین، پرداختن به مقیاس‌های زمانی و مکانی چندگانه نشان می‌دهد که تعارضاتی که در حال حاضر کم اهمیت جلوه می‌کنند، ممکن است به افزایش درگیری در آینده منجر شود یا کاهش تعارضات کنونی در جنوب شرقی ترکیه ممکن است درگیری‌های پایین دست را تقویت کند. با برجسته کردن این تضادها، تجزیه و تحلیل زیر از گاپ نشان می‌دهد که پویایی‌های تعارضات در تغییر

^۱ یادداشت‌های میدانی هریس از مصاحبه‌ها در آنکارا و جنوب شرقی آناتولی، به ویژه دشت حران، می - نوامبر ۲۰۰۱

رژیم‌های آب نقش محوری دارند، اگرچه شکل، وسعت و مسیرها ممکن است در طول زمان، با مقیاس تحلیل، یا با تغییر رژیم‌های محیطی، هیدرولوژیکی یا سیاسی تغییر کنند.

این بدان معنا نیست که تجزیه و تحلیل در مقیاس‌های چندگانه چون نشان دهنده آن است که تعارضات بر سر استفاده و دسترسی به آب اجتناب ناپذیر است، پس همکاری غیرممکن است. با این حال، روابط متضاد در همه محورهای پویایی قدرت - نژاد، قومیت، جنسیت یا موارد دیگر - وجود دارند و این فرآیندها لزوماً راه‌هایی را که در آن آب، قابل درک، قابل دسترسی و قابل استفاده هست، شکل می‌دهد. گسترش این چشم‌انداز، فراتر از خشونت بین‌دولتی به اشکال و مکان‌های مختلف درگیری، امکان بحث در مورد راه‌هایی را فراهم می‌کند که تغییرات چشم‌انداز آب مستلزم مذاکره مجدد در مورد درگیری‌ها در مقیاس‌های مختلف است که باعث می‌شود خود مقیاس‌ها دوباره تعریف شوند. این تجزیه و تحلیل بیشتر نشان می‌دهد که مفهوم سازی‌های «پایدار» باید به طور واضح‌تری به پویایی‌های پلکانی بپردازند. در حالی که نظریه‌پردازان اذعان کرده‌اند که پایداری در بین منافع، احتمالاً غیرممکن باشد (به عنوان مثال، دستیابی به پایداری اقتصادی و زیست‌محیطی)، و مقیاس زمانی برای ارزیابی هزینه‌ها و مزایای تغییرات توسعه برای نسل‌های آینده مهم است (Lulu, 1991; Escobar, 1995).

۳- گاپ توطئه‌ای استراتژیک ضد منافع و تمدن‌گردها

بر اساس روایاتی که به طور خاص در میان نخبگان سیاسی و فکری‌گرد در جنبش‌های سیاسی آنها رواج داشته است، گاپ برای آسیب‌رساندن عمدی و استراتژیک به گردها به طور عام و حزب کارگران کردستان به طور خاص آغاز شده است. بر این اساس، گاپ یک پروژه استعمار، یکسان‌سازی، تخریب اکولوژیکی، تاریخی و سرکوب است. از این منظر برای توضیح بیشتر در مورد این ادعا لازم است بیان شود که گاپ اساساً پروژه‌ای ضدگُرد است، به این دلیل که به طور سیستماتیک منابع طبیعی و انسانی منطقه گاپ - یا به طور کلی کردستان، در فرهنگ لغت اکثر نخبگان گُرد- را به غرب ترکیه منتقل کرده است (Mutlu, 2001: 110-117). با این وجود، این ادعا قبل از شروع پروژه گاپ نیز وجود داشت، ادعایی که انتقال یک طرفه منابع از شرق و جنوب شرق ترکیه به مرکز را تصدیق می‌کند. از دیرباز تأکید شده است که سیستم‌های حمل‌ونقل، ارتباطات، تجارت و بانکی جریان منابع طبیعی و انسانی را به خارج از منطقه امکان‌پذیر و تسهیل می‌کنند (Jafar, 1976: 52). جهت تأیید این ادعاها، یکی از نمایندگان مجلس (نماینده حکاری) بر این نکته تأکید می‌کند: «رویکرد و استراتژی دولت کاملاً بر تولید انرژی بود ... دولت به آنچه که می‌خواست دست یافت. گاپ هزینه خود را پرداخت کرد. حتی سود هم داشت ... [اما] تنها ۲۰ درصد از طرح‌های آبیاری محقق شد. از آنجا که استراتژی دولت این بود که از این پروژه به نفع مردم منطقه استفاده کند، ما آن را به عنوان یک پروژه بهره‌برداری توصیف کردیم. اما، آنها منابع را از آنجا استخراج کردند و در بخش‌های غربی ترکیه استفاده کردند. به همین دلیل، سهم مردم منطقه از گاپ تقریباً صفر بود»^۲.

^۲Hakkari
Interview, 7 May 2014, Ankara.

بر این مبنای اساساً یک پروژه ضدگردی شناخته می‌شود، به این دلیل که به «ترکی‌سازی» یا «گردزایی» جمعیت محلی کمک کرده است. در این زمینه، عبدالله اوجالان (رهبر محبوس حزب کارگران کردستان) تأکید می‌کند که وقتی «پیشینه نیروگاه‌ها و پروژه‌های کردستان و سرمایه‌های پشت پرده آنها بررسی می‌شود، می‌توان دریافت که کردها با یک سیاست جدی گردزایی مواجه هستند» (Ocalan, 2015: 357). در همین ارتباط، یکی از نمایندگان مجلس شهر دیاربکر (آمد) نیز تأکید می‌کند که «گاپ یک پروژه تحول سیاسی و اجتماعی است».^۱

همچنین، گاپ به اتهام تخریب فرهنگ، تمدن، تاریخ و محیط زیست مردم کرد، پروژه‌ای ضدگردی شناخته می‌شود. یکی دیگر از نمایندگان کرد شهر حکاری در پارلمان ترکیه، ادعا می‌کند که «دولت ترکیه عمداً شهرهای صمسات^۲، حلفتی^۳ و حسکیف^۴ را از طریق سدهای بزرگ فقط برای تولید چند کیلووات برق بیشتر ویران کرده است، در حالی که این تخریب‌ها بیشتر از دستاوردهای تولید برق بوده است».^۵ نماینده دیگری از شهر گردی موش اظهار می‌دارد که «گاپ بازتابی از رویکرد دولت به کردستان است و دولت از طریق ساختن سدها و نیروگاه‌های بزرگ، قصد دارد با از بین بردن تنوع گیاهی و جانوری منطقه، این منطقه را به محلی برای سکونت انسان‌ها تبدیل کند».^۶ در نهایت ابراهیم بینچی، نماینده کرد شهر رها^۷ در پارلمان ترکیه قصد این کشور از پروژه گاپ را اینگونه بیان می‌کند: «پروژه گاپ هیچ؛ نیت خیری، راه حلی برای زیست مسالمت‌آمیز، دوستی با طبیعت، برخورداری از اصول انسانی ندارد و مهم‌تر از همه اینکه، کردها را به عنوان ساکنان اصلی این سرزمین نمی‌پذیرد» (Turkiye Buyuk Millet Meclisi, 2012: 815).

از طرفی دیگر، طبق اظهارات باستان‌شناسان و فعالان حقوق بشر، سدهای احداثی پروژه گاپ، میراث تمدنی طبقه‌ای از اقوام کهن را به ورطه نابودی می‌کشاند و آن هم قومی نیست به جز قوم کرد، که در حومه دجله و فرات هزاران سال است که زندگی می‌کنند. در آگوست سال ۲۰۰۱ حکومت بریتانیا جهت احداث این پروژه به خصوص سدهای ایلسو و شیزره که به طور مستقیم حقوق کردها در ترکیه را هدف قرار می‌داد، ابراز نگرانی کرده بود. انجمن‌های باستان‌شناسان بر این تلاش بودند که بتوانند از پروژه‌های سد سازی حکومت ترکیه روی رود دجله ممانعت به عمل آورند. در راستای این تلاش‌ها فعالیت بسیاری از شرکت‌هایی که در این پروژه مشارکت داشتند بالاجبار متوقف شدند. ابتدا شرکت سوئدی «اسکانزا»^۸ و پس از آن شرکت انگلیسی «بالفور بیوتی»^۹ و در نهایت شرکت ایتالیایی «سالینی ایمپریگیلو»^{۱۰} مجبور به ترک مشارکت در ساخت این پروژه عظیم با دولت ترکیه شدند.

^۱Interview, 6 May 2014, Ankara.

^۲Samsat

^۳Halfeti

^۴Haskef

^۵Interview, 6 May 2014, Ankara.

^۶Interview, 8 May 2014, Ankara.

^۷Riha

^۸Scanza

^۹Balfour Beauty

^{۱۰}Salini Impregilo

تأکید متخصصان انجمن‌های باستان‌شناسی بیشتر بر این موضوع است که مسئولین حکومت ترکیه بدون توجه به مکان‌های تاریخی که قدمتی چند هزارساله دارند، دست به احداث چنین پروژه‌ای زده است که اینگونه اقدامات تمامی این مکان‌ها را در زیر آب غرق خواهد کرد و کوچک‌ترین اثری از این تمدن هزارساله باقی نخواهد ماند. یکی از این مکان‌های معروف، «دیوارهای بازالت سیاه همگن» شهر دیاربکر (آمد) و «قلعه حسکیف»^۱ که در بلندای کوهی در اطراف رود دجله در استان ماردین واقع گردیده و به شهر غارهای ساخته شده بشر معروف است، می‌باشد. تاریخ حسکیف به ۱۲ هزار سال پیش بر می‌گردد که دو برابر قدمت اهرام مصر و استون‌هنج بریتانیا و حتی قبل از تمدن مایا در پرو و ایکا در گواتمالا است.

در نتیجه می‌توان اذعان کرد که، گاپ به دلیل قبضه کردن آب دجله و فرات و محدود کردن جنبش آزادیخواهی کردها و جلوگیری از توانایی‌های مانور حزب کارگران کردستان در منطقه، پروژه‌ای ضدگردد تشخیص داده می‌شود. در همین راستا، یکی از نمایندگان مجلس ترکیه شهر موش، تأکید می‌کند که «ده‌ها سد بین شهرهای حکاری و شیرناخ قادر به تولید انرژی نیستند. سدهای کاراکایا،^۲ آتاترک،^۳ کبان^۴... در ظاهر برای تولید انرژی و آبیاری ساخته شده‌اند اما دلیل احداث آنها در منطقه این است که حضور چریک‌های کُرد را به چالش بکشند و از عبور و مرور آنها در این منطقه جلوگیری کنند».^۵

۴- گاپ پروژه‌ای غیرسیاسی و طرح موسوم به «لوله صلح»

بر اساس این نظریه که به طور خاص در میان کارشناسان و بوروکرات‌ها رواج دارد، پیوند بین گاپ و مسأله کُردی ضعیف و حتی ساختگی نشان می‌دهد، زیرا گاپ همیشه یک پروژه کاملاً فنی و بی طرف و کاملاً جدا از ملاحظات امنیتی و محاسبات سیاسی بوده است. بنابراین طبق این روایت، مسأله کُردها یکی از عواملی که باعث آغاز گاپ شده، نیست. ظاهراً سه دلیل اصلی وجود دارد که این روایت را تأیید می‌کند. استدلال اول تأکید می‌کند که تنها عوامل فنی-علمی نقش غالب را در شروع گاپ داشتند، نه عوامل مرتبط با تعارضات و مسائل سیاسی. برای تشریح این ادعا، یکی از روسای سابق اداره منطقه‌ای گاپ در موسسه علوم داده‌های بین‌المللی^۶ در شهر رها تمایز واضحی بین جنبه‌های فنی و سیاسی پروژه قائل شده و توضیح داده که در این گونه پروژه‌های عمرانی بزرگ: «سیاستمداران نمی‌توانند هیچ‌گونه تأثیری بر پروژه‌های مهندسی داشته باشند... یک سیستم هیدرولیک همه چیز را مشخص می‌کند. کارشناسان محاسبات خود را با توجه به معیارهای آب انجام می‌دهند. سدها نمی‌توانند برای امنیت ساخته شوند؛ آنها برای

^۱Haskef Castle

^۲Stonehenge

^۳Shirnakh

^۴Karakaya

^۵Ataturk

^۶Keban

^۷Interview, 8 May 2014, Ankara.

^۸Data Sciences International (DSI)

تأمین آب آشامیدنی، جلوگیری از وقوع سیل، تولید انرژی، و آبیاری اراضی‌ها ساخته شده‌اند. ساده‌انگارانه است که سدها را به عنوان تأمین‌کنندگان امنیتی یا انسداد علیه کسی [گُردها] در نظر بگیریم.^۱

به همین ترتیب، یکی از متخصصین اداره توسعه منطقه‌ای گاپ تأکید می‌کند که «گاپ یک پروژه توسعه منطقه‌ای می‌باشد، بنابراین طبیعتاً نه استان برای این منظور انتخاب شدند. این پروژه در جنوب شرقی آناتولی نه به دلیل زیست‌بوم گُردها، بلکه به دلیل نگرانی‌های طبیعی و فنی اجرا شد». همچنین یکی از روسای سابق اداره توسعه منطقه‌ای گاپ نیز تصدیق می‌کند که «در آغاز پروژه گاپ، امنیت عامل اصلی نبوده است و تأکید می‌کند که کنترل حوضه‌ها، اجرای پروژه برای تأمین امنیت و ... همچنین چیزی وجود ندارد. بسیاری بعدها ادعا کردند که گاپ برای محدود کردن جنبش گُردها آغاز شده، اما من فکر نمی‌کنم این ادعا معتبر باشد».^۲

بر اساس استدلال دوم، گاپ را نمی‌توان یک پروژه «ضدگُردها» توصیف کرد، زیرا از نظر قومیتی، نه تنها ترک‌ها، بلکه گُردها - و همچنین اعراب - سخاوتمندانه از این پروژه بهره می‌برند. در همین راستا، یکی از مالکین زمین در شهر رها اظهار می‌دارد که «گاپ علیه گُردها راه اندازی نشده است، به هر حال بخش بزرگی از زمین‌های کشاورزی در منطقه گاپ متعلق به گُردها است. آنها با احداث سیستم آبیاری وضعیت بهتری داشته و خواهند داشت».^۳ به طور مشابه، یکی از کارشناسان پیشین اداره توسعه منطقه‌ای گاپ نیز تأکید می‌کند که «هیچ تبعیضی علیه گُردها وجود ندارد، زیرا آنها به اندازه ترک‌ها از مزایای گاپ بهره خواهند برد. درست است که مواردی وجود دارد که آنها مانند حسکیف آسیب دیده‌اند، اما مواردی نیز وجود داشته که آنها پول زیادی از دولت دریافت کردند؛ که وضع اقتصادیشان بسیار بهتر از قبل شده است».^۴

استدلال سوم تأکید می‌کند که هویت قومی یا مذهبی جمعیت محلی هیچ نقشی در تعیین اینکه برآیند توسعه شامل چه کسی می‌شود یا نمی‌شود، ایفا نکرده است. برای نمونه، یکی از هماهنگ‌کننده‌های اسبق اداره توسعه منطقه‌ای گاپ تأکید می‌کند که «آنها علیه گُردها و عرب‌ها تبعیض قائل نمی‌شوند و فقط مطالعات جامعه‌شناختی را برای تدوین پروژه‌ها، مطابق با الگوهای مصرف آب، ساختارهای اجتماعی و موارد مختلف آنها انجام می‌دهند».^۵

یکی دیگر از محققین نیز، در زمینه سیاست آب ادعاهای مربوط به تبعیض قومی یا مذهبی را بی‌اساس و مبالغه‌آمیز دانسته و اظهار می‌دارد: «گاپ یک پروژه همسان‌سازی نیست. فقط گُردها در منطقه جنوب شرقی آناتولی زندگی نمی‌کنند، بلکه دیگر اقوام نیز در این منطقه سکونت دارند. در هر پروژه سدسازی همه اسکان داده می‌شوند. این اتفاق در کبان نیز رخ داده است. همچنین زمانی که

^۱Interview, 20 May 2014, Ankara.

^۲GAP Regional Development Administration

^۳Interview, 24 March 2014, Ankara.

^۴Interview, 16 May 2014, Ankara.

^۵Interview, 30 May 2014, Şaliurfa.

^۶Interview, 2 April 2014, Ankara.

^۷Interview, 25 April 2014, Ankara.

سدی بر روی رودخانه سرخ ساخته شد و مردم استان کوروم مجبور به ترک زمین‌های خود شدند. آیا این بدان معنا بود که ما مردم دو روستای سنی‌نشین و یک روستای علوی‌نشین را در آنجا استعمار کردیم؟ البته که نه».

با این وجود، آب هم اکنون به صورت یک منبع استراتژیک و محدود کننده برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در آمده است و می‌تواند منجر به جنگ شود. اغلب کشورها مسائل نگران‌کننده زیادی در ارتباط با کمیت و کیفیت منابع آب خود دارند و کشورهای بسیاری از پیامدهای آلودگی آب‌های ساحلی خود نگرانند. محدودیت‌های تأمین آب جدید در حال افزایش است و با خشکسالی‌ها، تهی شدن منابع آب‌های زیرزمینی و تخریب منابع جنگلی تشدید می‌شوند. یکی از این موارد، اسرائیل است. به طور کلی آب، هدف استراتژیک اسرائیل می‌باشد و مسأله آب برای این کشور، فراتر از یک موضوع مربوط به توسعه می‌باشد. به نظر می‌رسد اسرائیل در اندیشه تسلط بر منابع آبی اعراب باشد و برقراری ارتباط بین این کشور و حکومت ترکیه که به سبب بهره‌گیری از منابع فراوان آبی، خواهان نقش فعالی در آینده منطقه است، نشان‌دهنده نقش مهم منابع آبی در میزان نفوذ و تأثیرگذاری در منطقه می‌باشد.

اسرائیل برای حل بحران آب در پی سرمایه‌گذاری‌های سنگینی در زمینه بکارگیری تکنولوژی جدید بوده و هم اکنون به اجرای طرح‌های نمک زدایی دریا، بارورکردن ابرها و استفاده مجدد از فاضلاب‌ها مشغول است اما به دلیل هزینه‌های کلان تهیه آب، یکی از راه‌های به صرفه و مطمئن برای حل این مشکل، تهیه آب از یک نقطه مطمئن دیگر است که یکی از این مناطق که اسرائیلی‌ها می‌توانند کمبود آب خود را از آن تأمین نمایند منابع غنی آب ترکیه است. ترکیه تنها کشور خاورمیانه است که دارای منابع عظیم آب است. مشکل کمبود آب و نیاز مبرم اسرائیل به آب رودخانه‌های ترکیه و نگرانی از عدم دسترسی به آن بنابه دلایل امنیتی و استراتژیک، بر مشکلات تأمین آب این کشور افزوده است. به همین خاطر نیز مسئولان آن تلاش می‌کنند تا از هر راه و شرایط ممکن استفاده کرده تا از ابعاد این خطرات بکاهند که یکی از راه‌های مهم برای رسیدن به این هدف برقراری و تداوم ارتباط با ترکیه است و در سایه این روابط اهداف مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی را طراحی و دنبال می‌کند. در این میان تنها اسرائیل است که از احداث چنین پروژه‌هایی سود می‌برد، آبی که از مردم منطقه دریغ می‌شود از طریق خط لوله به نام «لوله صلح» به وسیله حکومت ترکیه به اسرائیل فروخته می‌شود.

۵- حقوق بین‌الملل آب و اقدامات دولت ترکیه

ارزش‌های خاورمیانه‌ای پیرامون حقوق آب در بیشتر موارد از مسئولیت جمعی برای خدمت به منافع دسته جمعی شهروندان پشتیبانی می‌کند، که معمولاً توسط دولت اداره می‌شود و اجازه اعطای حقوق مصرف آب را می‌دهد، اما مالکیت آن را نه. این ارزش‌ها شباهت‌های قابل توجهی با اصول زیربنای قوانین بین‌المللی تدوین شده در مسیرهای آبی بین‌المللی دارند. تا زمانی که تحت تأثیر قوانین بین‌المللی، با تأکید بر حاکمیت یا مالکیت آب، درگیری‌های حقوقی در خاورمیانه شروع شد. همچنین باید اضافه کرد که

^۱Kızılırmak

این رودخانه طولانی‌ترین رودخانه ترکیه است، که از منطقه آناتولی مرکزی به دریای سیاه سرریز می‌شود.

^۲Çorum

این استان محصور در خشکی است که در منطقه دریای سیاه واقع شده است.

اکثر قوانین خاورمیانه‌ای به دلیل مشکلاتی که در مفهوم مرزهای مدرن که از آبراه‌های تاریخی حیاتی عبور می‌کنند، حقوق بین‌المللی معاصر آب را در بر نمی‌گیرند (MacQuarrie, 2004: 64).

مسئله حقوق و تعهدات دولت ساحلی مربوطه در مورد آب‌های رود فرات و دجله به شدت مورد مناقشه است. این بخش از مقاله مروری بر حقوق بین‌الملل مربوط به رودهای فرات و دجله می‌باشد، که هدف آن ارائه مقدمه‌ای کلی در خصوص هنجارهای اصلی حقوق بین‌الملل آب و اقدامات دولت ترکیه می‌باشد.

با افزایش تقاضا برای آب در آغاز قرن نوزدهم، چارچوب قانونی مربوط به استفاده غیرکشتیرانی از مسیرهای آبی بین‌المللی نیز بیش از پیش در اولویت قرار گرفت. در این زمینه اقدامی اساسی توسط موسسه بین‌المللی درویت در اوایل سال ۱۹۱۱ صورت گرفت. بعدها نیز انجمن حقوق بین‌الملل^۲ (Teclaff, 1991: 45) و همچنین کمیسیون حقوق بین‌الملل^۳ به طور اساسی به توسعه حقوق بین‌الملل آب کمک کردند (Wolfrum, 2012). کدگذاری‌های مهم این حوزه از حقوق بین‌الملل از جمله قوانین هلسینکی انجمن حقوق بین‌الملل^۴ در سال ۱۹۶۶ است که در سال ۲۰۰۴ توسط قواعد برلین^۵ به روز شد، کنوانسیون ۱۹۹۷ در مورد قانون استفاده‌های غیرکشتیرانی از مسیرهای آبی بین‌المللی (کنوانسیون سازمان ملل متحد برای آبراه‌ها)^۶ و همچنین در سطح منطقه‌ای کنوانسیون ۱۹۹۲ کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا^۷ در مورد حفاظت و استفاده از جریان‌های آبی فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی (کنوانسیون هلسینکی کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا) نیز به روز شدند (UNTS, 1992). علاوه بر این، کنوانسیون‌های زیرمنطقه‌ای و معاهدات دوجانبه‌ای در رابطه با مسیرهای آبی خاص امضا شدند.^۹

کنوانسیون سازمان ملل متحد برای آبراه‌ها تنها کنوانسیون قابل اجرای جهانی است که اصول و قواعد اساسی را برای همکاری بین دولتی در زمینه مدیریت، استفاده، تقسیم و همچنین برای حفاظت از آبراه‌های بین‌المللی تعیین می‌کند. کشورهای عراق و سوریه هر

^۱Institute de Droit International

^۲International Law Association (ILA)

انجمن حقوق بین‌الملل در سال ۱۸۷۳ در بروکسل به عنوان یک سازمان بین‌المللی غیر دولتی با هدف ترویج مطالعه، شفاف‌سازی و توسعه حقوق بین‌الملل و درک بیشتر امور بین‌المللی و احترام به حقوق بین‌الملل تأسیس شد.

^۳International Law Commission (ILC)

کمیسیون حقوق بین‌الملل توسط مجمع عمومی در سال ۱۹۴۷ به منظور ارتقاء توسعه تدریجی و تدوین حقوق بین‌الملل تأسیس شد.

^۴International Law Association Helsinki Rules

^۵Berlin Rules

^۶ کمیته منابع آب، «قوانین هلسینکی در مورد استفاده از آب‌های رودخانه‌های بین‌المللی»، در: انجمن حقوق بین‌الملل، گزارش پنجاه و دومین کنفرانس (هلسینکی ۱۹۶۶)، (قوانین انجمن حقوق بین‌الملل هلسینکی). کمیته منابع آب، «قانون منابع آب - گزارش چهارم»، در: انجمن حقوق بین‌الملل، گزارش هفتاد و یکمین کنفرانس (قوانین انجمن حقوق بین‌الملل برلین). لازم به ذکر است که این اسناد به منزله اسناد قانونی الزام‌آور نیستند.

^۷ کنوانسیون قانون استفاده‌های غیرکشتیرانی از مسیرهای آبی بین‌المللی (مصوب ۲۱ مه ۱۹۹۷). کنوانسیون سازمان ملل متحد برای آبراه‌ها بر اساس پیش‌نویسی است که توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل تهیه شده است.

^۸United Nations Economic Commission for Europe Convention

^۹ به عنوان مثال به: موافقتنامه همکاری برای توسعه پایدار حوضه رودخانه مکنوگ (۱۹۹۵)؛ کنوانسیون همکاری برای حفاظت و استفاده پایدار از رودخانه دانوب (۱۹۹۷)؛ کنوانسیون حفاظت از راین؛ پیمان آب‌های ایندوس (۱۹۶۰)؛ پروتکل تجدید نظر شده در مورد جریان‌های آبی مشترک در جامعه توسعه آفریقای جنوبی (۲۰۰۱)، مراجعه کنید.

دو این کنوانسیون را امضا و تصویب کردند. ادر مقابل، ترکیه این کنوانسیون را امضا نکرد و علاوه بر این، یکی از سه کشوری بود که به تصویب آن در مجمع عمومی سازمان ملل رأی منفی داد. جدای از آن، کنوانسیون هنوز لازم‌الاجرا نیست، زیرا هنوز ۳۵ تصویب‌نامه لازم را دریافت نکرده است. بنابراین، کنوانسیون سازمان ملل متحد برای آبراه‌ها و همچنین سایر کنوانسیون‌های منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای، مستقیماً در منطقه فرات و دجله قابل اجرا نیستند. در نتیجه، مسأله کاربرد عرفی هنجارهای بنیادین حقوق بین‌الملل آب مطرح می‌شود. متأسفانه هنوز در مورد وضعیت دقیق، دامنه و ارتباط متقابل این هنجارها اختلاف نظر وجود دارد (McIntyre, 2006: 157; Bodansky & Brunnee, 2007: 449-450).

در نهایت، موضع ترکیه در قبال کنوانسیون سازمان ملل متحد برای آبراه‌ها به عنوان مانعی برای دستیابی به اجماع در مورد قوانین قابل اجرا در منطقه فرات و دجله تلقی می‌شود. همانطور که قبلاً ذکر شد، ترکیه عضویت در این کنوانسیون را نپذیرفت، در حالی که سوریه و عراق عضو این کنوانسیون هستند. اگرچه این موضوع به طور مکرر مطرح می‌شود، اما در واقع مشکلی برای این کشور ایجاد نمی‌کند (Kibaroglu, 2002: 160). در واقع کنوانسیون سازمان ملل متحد برای آبراه‌ها سازمان ملل یک منبع مهم حقوق بین‌الملل آب است، هر چند که لازم‌الاجرا نیست. با این حال، مجموعه‌ای از حقوق بین‌الملل عرفی آب وجود دارد که حقوق و تعهداتی را در رابطه با همکاری‌های آب فرامرزی تصریح می‌کند، بنابراین توسل به کنوانسیون سازمان ملل ضروری نیست. این قواعد حقوق بین‌الملل عرفی برای دولت‌ها الزام‌آور است و اصولاً پس از ایجاد یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی، دولت‌ها نمی‌توانند به‌طور یک‌جانبه خود را معاف کنند. فقط تنها زمانی از این قاعده مستثنی می‌شوند که دولتی در مرحله شکل‌گیری آن به طور مداوم به این قانون اعتراض کرده باشد. دولت ترکیه نیز بیش از یک بار نسبت به برخی مفاد کنوانسیون سازمان ملل، مانند اجرای خاص تعهد برای جلوگیری از آسیب مندرج در ماده (۷) اعتراض کرده است (Report of the Secretary-General, 1996). در این خصوص احتمالاً می‌توان استدلال کرد که بی‌میلی ترکیه اعتراضی مداوم به این قوانین دارد. با این حال، دولت ترکیه حتی اگر برخی از مقررات کنوانسیون سازمان ملل را رد کرده است، اما مکرراً پایبندی خود را به هنجارهای اصلی حقوق بین‌المللی آب، مانند تعهد به جلوگیری از آسیب و استفاده عادلانه و معقول از آب اعلام کرده است (Turkish Ministry of Foreign Affairs, 1996). به هر حال با استناد به چنین تعهد صریحی، نمی‌توان دولت ترکیه را به عنوان یک مخالف دائمی در این خصوص، متصور نشد. از این رو، لازم است که هر سه طرف ساحلی به قواعد حقوق بین‌الملل عرفی پایبند باشند.

نتیجه‌گیری

بهره‌برداری از فازهای پروژه آناتولی جنوب شرقی کشور ترکیه در طی دهه‌های گذشته تأثیرات بسیاری بر حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و بخصوص زیست‌محیطی کشورهای پایین‌دست داشته است. پروژه گاپ ترکیه که مشتمل بر ایجاد سدها و نیروگاه‌های برق‌آبی متعدد بر روی دجله و فرات است، می‌تواند در آینده‌ای نه‌چندان دور، کانون ایجاد بحران‌های زیست‌محیطی در

^۱ عراق در ۹ جولای ۲۰۰۱ و سوریه در ۲ آوریل ۱۹۹۸ این کنوانسیون را تصویب کردند. طبق ماده ۱۸ کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات، دو کشور باید قبل از لازم‌الاجرا شدن از اقداماتی که ممکن است هدف کنوانسیون سازمان ملل متحد برای آبراه‌ها را نقض کند، خودداری کنند.

منطقه، از جمله کاهش حجم آب ورودی دجله و فرات به کشورهای عراق و سوریه، خشک شدن تالاب هورالعظیم و تشدید پدیده ریزگردها در کشور ایران شود. همچنین با اجرای کامل این طرح و آبیگری کامل سد ایلیسو، شاهد از بین رفتن تمدن هزارساله ملت کُرد در کُردستان ترکیه خواهیم بود. ترکیه در پی آن است که با در اختیار گرفتن شریان‌های آبی، قدرت خود را بر کشورهای همسایه به‌عنوان هیدروهمژمون منطقه تثبیت کند. همانطور که در متن نیز اشاره شد یکی دیگر از اهداف این پروژه، قرارداد طرح خط لوله صلح جهت فروش آب منطقه به اسرائیل است که کشورهای منطقه این طرح‌ها را در راستای تلاش ترکیه برای ایجاد همژمونی در منطقه تلقی می‌کنند.

از آنجایی که ترکیه قصد دارد در دهه‌های آینده به نامزدی کامل در اتحادیه اروپا دست یابد، مسائل مربوط به آب و درگیری در جنوب شرقی ترکیه احتمالاً به طور فزاینده‌ای قابل مشاهده و با یکدیگر مرتبط خواهند بود. مبارزه ترکیه با اتهامات نقض حقوق بشر و تلاش برای کسب الزامات اقتصادی هر دو بر پیشرفت در منطقه جنوب شرقی آناتولی تکیه دارد و اهمیت سیاست‌ها و نتایج آتی مرتبط با توسعه گاپ را برجسته می‌کند. به این ترتیب، این مقاله تلاش کرده است تا بر پیچیدگی روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اکولوژیکی ذاتی در تغییر جغرافیای آب و تعارضات منطقه‌ای تأکید کند.

بنابراین، تجزیه و تحلیل آب و جغرافیای مورد مناقشه، مستلزم توجه به روش‌هایی است که درگیری‌های مربوط به؛ استفاده، دسترسی، و یکپارچگی آب در حال تغییر و تحول در مقیاس‌های مرتبط به یکدیگر هستند. یک رویکرد چند مقیاسی متضمن توجه به ابعاد زمانی و مکانی، قرار دادن تغییرات مرتبط با آب در بافت تاریخی، به دنبال ارزیابی پتانسیل برای تعارضات در آینده، و موقعیت‌یابی تعارضات در رابطه با مقیاس‌های جغرافیایی متعدد (حوضه، محلی، منطقه، دولتی، بین‌دولتی و فرادولتی) است. این رویکرد فرآیندها و روابط پیچیده‌ای که از طریق توسعه مرتبط با آب متحول شده است، از جمله؛ مقیاس، وسعت و ماهیت درگیری‌ها را نمایان می‌سازد.

اگرچه براساس گزارش‌های ارائه شده به نهادهای حقوق بشری، ارزیابی آثار زیست‌محیطی دقیقی در ابتدای ساخت این پروژه از سوی کشور ترکیه صورت نگرفته، اما اجرای این تعهد از دیدگاه حقوق بین‌الملل ضرورت داشته و ترکیه به این طریق، تعهد بین‌المللی خود را در قبال سایر کشورهای اطراف در این حوضه آبریز نقض نموده است. منشأ الزام‌آوری این تعهد نسبت به ترکیه را می‌توان بر عضویت این کشور در برخی کنوانسیون‌های زیست‌محیطی مرتبط مانند کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲، با توجه به استدلال‌های دیوان بین‌المللی دادگستری در شناسایی این تعهد به عنوان تعهد عرفی دانست. نظر به اینکه کشور ترکیه از آغاز شکل‌گیری این تعهد به آن اعتراضی نکرده و حتی در قواعد داخلی خود لزوم انجام ارزیابی آثار زیست‌محیطی را به‌طور مطلق، یعنی هم در داخل و هم در فعالیت‌های فرامرزی مورد پذیرش قرار داده، به اجرای این تعهد در مورد پروژه گاپ نیز ملزم است.

این ایده که ارتباط غیرقابل انکاری بین گاپ و مسأله کُردها وجود دارد از دهه ۱۹۹۰ افزایش یافته است. به طور گسترده در گفتمان‌های قانون‌گذاری و نخبگان بیان شد که گاپ به عنوان یک پروژه امنیتی برای رسیدگی به علل ریشه‌ای مسأله کُردها، که تصور می‌شد «توسعه‌نیافتگی» و «عقب‌افتادگی» شرق و جنوب شرقی ترکیه است، آغاز شد. با این حال، این چشم‌انداز محدود در

انعکاس ماهیت پیچیده و چند بُعدی رابطه متقابل بین گاپ و مسأله گرد و مسأله زیست محیطی منطقه ایراداتی داشته است. بررسی منابع داده‌های متنوع نشان داد که در واقع سه روایت عمده وجود دارد که گاپ را به عنوان پروژه‌ای توصیف می‌کند که علیه ملت گرد با نیات بدخواهانه آغاز شده است.

این استنباط‌ها حاکی از آن است که ارزیابی گاپ به صورت نسبی و نه مطلق ممکن است تصویر متفاوتی از پروژه ارائه دهد و نشان دهد که چگونه تفاسیر می‌تواند بسته به موقعیت گوینده و زمینه‌ای که پروژه در آن ارزیابی می‌شود متفاوت باشد. البته این نیز ناگفته نماند که پروژه‌ها اغلب از دیدگاه چه اشخاص و یا طرفینی مفید یا مضر ارزیابی می‌شوند. ارزیابی این پروژه و پیامدهای آن توسط یک کشاورز که در آمدش پس از تمديد سیستم های آبیاری چهار برابر شد؛ خانواده‌هایی که به دلیل آبیگری مخازن سد مجبور به ترک روستای خود شدند؛ زنی که شانس مراجعه به پزشک را پیدا کرد؛ یک کارگر فصلی برای اولین بار در تمام زندگی خود فرصت شغلی خود را پس از افزایش مکانیزاسیون کشاورزی از دست داد و ... همه متفاوت هستند. با توجه به این موضوع، این سوال که آیا گاپ یک پروژه موفقیت آمیز بوده است یا یک شکست - که شبیه این سوال است که؛ نیمه خالی یا نیمه پر لیوان؟- نیز می‌تواند به صورت نسبی پاسخ داده شود. تعاریف سفت و سخت از پروژه‌ها و ادعاهای عمومی در مورد آثار منفی و مثبت آن ممکن است گمراه کننده باشد.

استنباط‌ها همچنین حاکی از آن است که تجویز راه‌حل‌های فنی-علمی و فنی-مدیریتی برای مشکلات، - یا مسائلی که از منظر فنی به عنوان مشکلات در نظر گرفته می‌شوند - که در واقع متضمن عوامل پیچیده سیاسی، اجتماعی، بشردوستانه و روان‌شناختی هستند، در چارچوب گاپ و احتمالاً پروژه‌های توسعه‌ای مشابه دیگر در مقیاس بزرگ در سایر جغرافیای جهان غیرسازنده یا معکوس بوده است. چنین راهکارهایی اغلب منافع بیشتر و عمدتاً اقتصادی را برای دولت‌ها و حکومت‌ها فراهم می‌کند و تنها منافع محدودی برای مردم به همراه دارد. حتی اگر آنها مزایایی را هم برای مردم فراهم کنند، تأثیرات آنها اغلب طولانی مدت است.. این عدم تطابق را می‌توان به عنوان تضاد بین دیدگاه‌های عقلانی و مبتنی بر احساسات، شیوه‌های علمی و سنتی، تعاریف «کتاب درسی» و احتمالات زندگی واقعی، و ساخت واقعیت در نظر گرفت.

امروزه، محدودیت استفاده از آب‌ها به عنوان اصل کلی حقوقی پذیرفته شده است. بررسی معاهدات بین‌المللی، دکترین و رویه قضایی بیانگر این است که دولت‌ها دیگر حاکمیت سرزمینی مطلق را نمی‌پذیرند. در نتیجه با توجه به اصل استفاده منصفانه و معقول، در مورد سدسازی‌های دولت ترکیه می‌توان گفت کشورهای آبراهی در بهره‌برداری از آبراه مشترک هر کدام حقوقی دارند؛ لذا تردیدی نیست که این حقوق، آزادی عمل دولت ترکیه را محدود می‌کند. دولت ترکیه، به شروط رعایت منافع مشترک سایر کشورهای آبراهی و حفاظت از محیط‌زیست می‌تواند تأسیساتی را روی آبراه مشترک بنا کند، زیرا استفاده از آبراه تا زمانی که به سایر کشورهای آبراهی زیان نرساند، معقول و منصفانه است. اما همانطور که مشخص است نه تنها بهره‌برداری نهایی از سدهای پروژه گاپ باعث شده که سوریه و عراق به عنوان کشورهای پایین‌دستی حوضه آبی دجله و فرات از تبعات زیست محیطی آن در امان نمانند، بلکه تأثیر مستقیمی بر زمین‌های کشاورزی، ایجاد خشکسالی و ریزگردها داشته و تخریب تمدن هزار ساله مردم محلی منطقه و بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و منطقه‌ای نیز به آن افزوده شده است.

با توجه به رعایت اصول مهم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست همچون اصل همکاری، اصل حفاظت از محیط‌زیست، اصل ارزیابی، اصل جلوگیری، اصل اطلاع‌رسانی و اصل احتیاطی در زمینه فعالیت‌های تحت صلاحیت یا کنترل دولت‌ها که احتمالاً اثرات زیانبار قابل ملاحظه‌ای بر تنوع زیستی سایر کشورها یا مناطق ماورای قلمرو داخلی آن دارد، تاکید بسیاری کرده است و کشورهای متعاقد که ترکیه، سوریه، عراق و ایران را شامل می‌شود، ملزم به رعایت آن هستند و باتوجه به اینکه در پروژه گاپ هیچ کدام از این اصول علیرغم درخواست‌های مکرر دولت‌های سوریه، عراق و مردم محلی رعایت نشده است، موجب مسئولیت بین‌المللی دولت ترکیه است.

ترکیه مانند بسیاری از کشورهای امروزی با چالش‌هایی در توسعه و مدیریت کارآمد منابع آبی خود مواجه است، این در حالی است که به نظر نمی‌رسد این کشور قصدی برای حفظ کیفیت آب کشورهای پایین دست و حفاظت از محیط زیست داشته باشد. به این ترتیب، لازم است کشورهای دیگر این حوزه، یعنی عراق، سوریه و ایران و همچنین حزب چپ‌گرای دموکراتیک خلق‌ها از جانب مردم بومی منطقه در برابر سدسازی‌های بی‌رویه کشور ترکیه اعلام موضع نموده، سعی در حل اختلاف خود در این زمینه از طریق دیپلماسی آبی و با بهره‌گیری از ابزارهای حقوق بین‌الملل نمایند.

فهرست منابع:

1. Bağış, A. I. (1997). "Turkey's hydropolitics of the Euphrates-Tigris basin". *Water Resources Dev.* 13(4):567-581.
2. Bayazit, M., and I. Avci. (1997). "Water resources of Turkey: Potential, planning, development and management". *Water Resources Dev.* 13(4):443-452.
3. Bodansky, D. Brunnée, J. Hey, E. (2007). *The Oxford Handbook of International Environmental Law*, London: Oxford University Press.
4. Bulloch, J., and Darwish, A. (1993). *Water wars: Coming conflicts in the Middle East*. London: Gollancz.
5. Çarkoglu, A., and M. Eder. (1998a). "GAP & water conflict". *Private View.* 2(6):58-79.
6. Escobar, A. (1995). *Encountering development: The making and unmaking of the Third World*, Princeton, NJ: Princeton University Press.
7. GAP Transport and Infrastructure Consulting Corporation (۲۰۰۲). "GAP Regional Transportation and Infrastructure Development Study, Final Report, Executive Summary", *GAP Administration*.
8. Hillel, D. (1994). *Rivers of Eden: The struggle for water and the quest for peace in the Middle East*, New York: Oxford University Press.

9. Intyre, Cf. O. (2006). "The Role of Customary Rules and Principles of International Environmental Law in the Protection of Shared International Freshwater Resources", *Natural Resources Journal* 46.
10. Jafar, M.R. (1976). *Under-Underdevelopment: A Regional Case Study of the Kurdish Area in Turkey*, Helsinki: Painoprint Oy.
11. Kibaroglu, A. (2002). *Building a Regime for the Water of the Euphrates-Tigris River Basin*, Hague: Brill.
12. Lulu, S. (1991). "Sustainable development: A critical review", *World Dev*, 19(6):607-621.
13. MacQuarrie, P. (2004). "Water Security in the Middle East", *Thesis of M.Phil International Peace Studies Trinity College*, Dublin, Ireland.
14. Mutlu, S. (2001). "Economic Bases of Ethnic Separatism in Turkey: An Evaluation of Claims and Counterclaims", *Middle Eastern Studies*, Vol.37, pp.101-35.
15. Ocalan, A. (2015). *Demokratik Kurtuluş ve Ozgur Yaşamı İnşa: Imralı Notları [Democratic salvation and construction of free life (Notes from Imralı)]*, Neuss: Weşanen Mezopotamya.
16. Report of the Secretary-General (1996). "Convention on the Law of the Non-navigational Uses of International Watercourses: Draft Articles on the Law of the Non-navigational Uses of International Watercourses and Resolution on Confined Transboundary Groundwater," *Doc. A/51/275 of 6 August 1996*, 12, 35, 53.
17. Scheumann, W. (1998). *Conflicts on the Euphrates: An analysis of water and non-water issues*. In *Water in the Middle East: Potential for conflict and prospects for cooperation*, eds. W. Scheumann and M. Schifler, Berlin: Springer.
18. State Water Works (1992). "Dams and Hydroelectric Power Plants in Turkey", *Data Sciences International (DSI)*, Ankara.
19. Stephenson, D. & Peterson, M.S. (1991). *Water Resources Development in Developing Countries*, Elsevier Science Publishing Co., Inc., New York.
20. Teclaff, A. (1991). "Fiat or Custom: The Checkered Development of International Water Law", *Natural Resources Journal* 31.
21. Tekeli, I. (2008). *Türkiye'de Bölgesel Eşitsizlik ve Bölge Planlama Yazıları [Writings on Regional Inequality and Regional Planning in Turkey]*, Istanbul: Tarih Vakfı Yurt Yayınları.
22. Turkish Ministry of Foreign Affairs (1996). "Water Issues between Turkey, Syria and Iraq", *Perceptions: Journal of International Affairs* 1, Chapter I.C.4.A.
23. Türkiye Büyük Millet Meclisi (14 December 2012). Term 24, Year 3, Sitting 40.
24. UNTS (1992). "Article 2(1) Convention on the Protection and Use of Transboundary Watercourses and International Lakes" (with Annexes), Vol. 1936 No. 33207.

25. Unver, I. H. O. (1997a). "South-eastern Anatolia Integrated Development Project (GAP)", Turkey: An overview of issues and sustainability. *Water Resources Dev.* 13(2):187-207.
26. Unver, I. H. O. (1997b). "South-eastern Anatolia Project (GAP)". *Water Resources Dev.* 13(4):453-483.
27. Wolfrum, R. (2012). *Max Planck Encyclopedia of Public International Law*, Oxford Public International Law.